

ابلاغ

سایت کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی

نامه شماری از زندانیان سیاسی اوین خطاب به مراجع قم

شماری از زندانیان سیاسی اوین در نامه‌ای خطاب به مراجع قم بخشی از جنایات دژخیمان ولی فقیه در سیاهچالهای قرون وسطائی را افشاء نمودند. در این نامه ضمن رد استقلال دستگاه قضائیه، نهادهای مختلف امنیتی سپاه و وزارت اطلاعات، که مستقماً تحت فرمان خامنه‌ای قرار دارند، بعنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی در دادگاههای فرمایشی معرفی گردیده‌اند. افشای انواع شکنجه، توهین و تجاوز بخش دیگری از این نامه را در بر می‌گیرد.

دستگاه ولی فقیه در سرانجام سقوط حتمی و قطعی خویش، چاره‌ای جز اعمال زور، سرکوب، دستگیری، شکنجه و اعدام ندارد تا «شاید» بزعم خود چند صباحی دیگر بتواند به حکومت سراسر جور و ننگ خود ادامه دهد. این نامه که متن کامل آن منتشر می‌گردد تنها در برگزیده بخش کوچکی از جنایاتی است که در شکنجه‌گاه‌های رژیم بر زنان و مردان غیور و مبارز ایران ستمزده اعمال می‌گردد.

مراجع عظام تقلید

حضرات آیات صانعی، بیات، دستغیب، سبحانی، اردبیلی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و شبیری زنجانی

دیدار آیت الله صادق آملی لاریجانی ریاست محترم قوه قضائیه با برخی از شما عزیزان انگیزه‌ای شد تا طی نامه‌ای گزارشی از روند دادرسی‌های اخیر زندانیان سیاسی را از بند 350 زندان اوین و جایی که نزدیک به 200 نفر از قربانیان این دادرسی‌ها در آن بسر می‌برند به استحضار شما گرامیان برسانیم. در این گزارش سعی می‌کنیم محورهای که در توصیه شما حضرات، به آقای لاریجانی بر آن تاکید شده بود اشاره کنیم

1. استقلال دستگاه قضایی؛

به استحضار شریف می‌رسانیم تقریباً تمام زندانیان در بند 350 اوین بارها و بارها مصادیق عدم استقلال دستگاه قضایی را از زبان بازجویان و پرسنل وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران شنیده‌اند و سپس خود به تجربه این معضل را درک کرده‌اند. در مدت حضور در بازداشت و زندان بازجویان مکرراً به زندانیانی با چشم و بعضاً دست و پای بسته بر اینکه قضاوت قضایی از سوی قضات نیست و قاضی‌ها در این خصوص هیچ کاره‌اند تاکید کرده‌اند و بسیاری از متهمین حتی پیشاپیش از میزان محکومیتشان توسط بازجوها مطلع شده‌اند و عجباً که در دادگاه‌ها دقیقاً همان احکام صادر شده است.

حضرات عالیقدر

طبق آنچه از شما آموخته ایم استقلال قاضی به معنای آن است که قاضی با استماع سخنان و ادله و بینات طرفین دعوا و با ارزیابی آن با معیار و موازین اسلامی و حقوقی، بدون توجه ویژه به احدی از طرفین دعوا به قضاوت بنشیند. حال آنکه قضات دادگاه‌ها بدون توجه به ادله متهمان، کیفر خواست را مینا قرار داده و بر اساس آن به جای آنکه در جایگاه قاضی بنشینند از موضع مد نظر دادستان به محاکمه می‌پردازند. این امر موجب گشته است در قریب به اتفاق پرونده‌های رسیدگی شده، نتیجه بی قضاوت همان باشد که در کیفر خواست و یا گزارش وزارت اطلاعات یا سپاه پاسداران درج و تقاضا شده است. این امر چگونه با سنت مولایمان حضرت امیر (ع) سازگار است که گفته شده است قاضی حتی در نگاه کردن خود به طرفین دعوا باید عدالت را رعایت کند؟

این عدم استقلال و تاثیرپذیری در دادگاه‌های بدوی به حدی است که برخی از قضات به صراحت به متهمان و یا وکیلانشان گفته‌اند که به جهت فشارهای نهادهای امنیتی مجبورند اشد مجازات را در نظر بگیرند و وعده داده‌اند که در محاکم تجدید نظر این احکام حتماً خواهد شکست که این خود اقرار است صریح از طرف قضات بر عدم رعایت عدالت و اصول اسلام

از دیگر ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های جاری در این روزها می‌توان به دهها نفر از کسانی اشاره داشت که با آنکه قرار بازداشتشان به قرارهای سبکتر و حتی کفالت تبدیل شده است، با اعمال نظر نهادهای امنیتی کماکان در بازداشتگاه به سر می‌برند و دادگاه‌ها با آنکه خودشان قرارها را صادر کرده‌اند از تودیع وثیقه و یا کفالت امتناع می‌کنند

یا در موردی دیگر حداقل چهار نفر از زندانیان با آنکه بعضاً چند ماه است در دادگاه‌ها دفاع آخر خود را انجام داده‌اند اما قضات به وکلا و متهمین و یا خانواده‌هایشان می‌گویند که نتیجه صدور حکمشان مربوط به نهاد امنیتی بازداشت‌کننده است و تا کنون سپاه یا وزارت اجازه حکم به قاضی نداده است. البته اینکه قضات اعلام کرده‌اند کاری از دستشان بر نمی‌آید و همه تصمیمات از جای دیگر گرفته می‌شود در خصوص بسیاری از پرونده‌های دیگر نیز صادق است.

از بی‌طرفی قضات نیز صحبتی نمی‌کنیم که اساساً برای همه کسانی که در دادگاه‌های اخیر شرکت کرده‌اند صحبت از بی‌طرفی قضات مضحک است؛ چرا که قضات در بیشتر مواقع به عنوان نماینده نهادهای امنیتی ایفای نقش کرده‌اند و در دادگاه‌ها نه تنها بی‌طرف نبوده‌اند بلکه با تهدید و توهین در صحن دادگاه حتی شکل ظاهری یک دادگاه اسلامی را نیز رعایت نکرده‌اند.

رعایت اخلاق در دستگاه قضایی؛ 2.

و لا یجر منکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلو هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون. «نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (سوره مائده، آیه 8)

در دیدار آقای لاریجانی با برخی از شما بزرگواران، رعایت اخلاق در دستگاه قضایی و در مراحل دادرسی به ایشان توصیه شده بود. برای اینکه در جریان رعایت این اخلاق در دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی و انتظامی به عنوان ضابطین قضایی قرار گیرید به برخی موارد در این خصوص اشاره می‌کنیم.

برخی از زندانیان که در اختیار نیروی انتظامی بوده‌اند با شنیدن رکبک ترین الفاظ که حتی در میان ارادل و اوباش نیز کمتر گفته می‌شود روبرو بوده‌اند - که البته سالهاست که فعالان اجتماعی، نسبت به رفتارهای توهین آمیز و بکارگیری الفاظ غیر اخلاقی با شهروندان تذکر داده‌اند و با اینحال هر کس که گذرش به کلانتری‌ها و به خصوص اداره آگاهی افتاده با تمام وجود همچنان این بی‌حرمتی به شهروندان را حس کرده است. اما این بار علاوه بر درگیریهای خیابانی که با فحاشی و باطوم و گاز اشک آور و سنگ و زنجیر به جان مردم افتاده‌اند، در حاشیه بازداشت‌های فله‌ای و چند هزار نفری معترضین، چه در کهریزک و چه در آگاهی شاپور، یا در زیرزمین وزارت کشور، علاوه بر به کار بردن رکبک ترین الفاظ و فحاشی‌های ناموسی در جهت تخریب روحیه متهم، در بازجویی‌های فردی، بازجویان بر تمام مسائل خصوص و شخصی افراد مسلط بودند و در مراحل بازجویی کسانی که خود را کارشناس می‌خواندند با ورود به حوزه‌های شخصی افراد حتی به خصوصی ترین روابط خانوادگی متهم وارد می‌شدند و اینگونه او را تحت فشار گذاشته‌اند. جهت استحضار حضرات به چند مورد از این موارد که زندانیان بند 350 با آن روبرو بوده‌اند اشاره می‌کنم.

تماسهای مکرر و غیر متعارف با خانواده برخی از متهمان؛ بطور مثال در یکی از موارد ظرف 20 روز بازجو با همسر یکی از متهمین، 6 مرتبه تماس گرفته و ضمن پیشنهاد طلاق به همسر محترم آن متهم از وی خواسته برای پیگیری پرونده همسرش بطور منظم با وی تماس بگیرد. در موردی دیگر زمانی که یکی از متهمان که از داشتن پدر محروم است و در زندان انفرادی به سر می‌برده است، بازجو ظرف یک هفته، بیش از 10 مرتبه با مادر وی تماس گرفته بوده است. این مزاحمت به حدی بوده که با آنکه مادر نگران فرزندش بوده است مجبور به جواب ندادن به تماسهای آن بازجو شده است. مورد دیگر در راستای به اصطلاح اعتراف گیری از یکی از متهمین که در اختیار سپاه پاسداران بوده‌اند است که تمام پرسنل یک شرکت از یک تا ده روز بازداشت بوده‌اند تا به دروغ به ارتباط غیر اخلاقی با وی اعتراف کنند تا آزاد شوند. و این در حالی که در عین حال با در اختیار گرفتن آلبومهای خانوادگی متهم و نشان دادن عکسهای خصوصی همسرش، همسر وی را به اتهامات اخلاقی متهم کرده‌اند و با تهدید به افشای آنها و اعترافات کذب همکارانش، مجبور به اعتراف و بیان نوشته‌های دیکته شده بازجو در دادگاه‌های به اصطلاح علنی نموده‌اند.

در بازداشتگاه امنیتی سپاه که به «2 الف» معروف است شرایط بسیار سخت تری به لحاظ اخلاقی حاکم است از جمله به کار بردن الفاظ رکبک، توهینهای ناموسی، فحاشی‌های خانوادگی، تهدیدهای جنسی تا جایی است که حتی چند نفر که در حال حاضر نیز در بند 350 به سر می‌برند را به آزار جنسی از طریق باطوم تهدید کرده و مجبور به در آوردن لباس و شلوار نموده‌اند. و البته اینها همه در حالی است که بسیاری به دلیل شرم، حاضر به روایت برخوردهای غیر اخلاقی که در موردشان صورت گرفته نیستند.

این در حالی است که در قوانین مصوب در خصوص مراحل تحقیق و بازجویی و بر اساس قانون رعایت حقوق شهروندی، تمامی اعمال و گفتارهایی که منافی عفت و اشاعة فحشا و یا با توهین و ارباب و فریب و امثال آن همراه باشد ممنوع و مرتکب آن باید مجازات گردد. علاوه بر این بستن چشم، رو به دیوار نشان دادن و در پشت سر قرار گرفتن بازجو از موارد مصرح در قانون حقوق شهروندی مجلس شورای اسلامی است ولی این امور خلاف قانون در نهادهای امنیتی اطلاعات سپاه، امری عادی و رویه‌ای مرسوم شده است.

حضرات آیات عظام

برخی از شما عزیزان در دیدار آقای لاریجانی توصیه فرموده بودید که اجازه انتخاب آزادانه وکیل به متهم داده شود که لازم است به اجمال گزارشی نیز از برخوردهای صورت گرفته در این زمینه ارائه نمایم.

1. تهدیدهای مکرر قضات به بسیاری از متهمان مبنی بر اینکه اگر با وکیل وارد دادگاه شوند احکام سنگین تری علیه آنها صادر خواهد شد. بیش از پنجاه نفر از کسانی که در این بند به سر می برند با این نوع تهدیدات از طرف برخی قضات روبرو بوده اند به خصوص آقای مقیسه، قاضی شعبه 28 دادگاه، که در عمل نیز چنین کرده است و در مواردی که با اصرار متهم مجبور به پذیرش وکیل شده است زمان دادگاه را ماه ها به تعویق انداخته و سپس احکام سنگینی صادر کرده است و اینگونه با گفتن این جمله که «دیدی گفتم» به وعده خود عمل کرده است.

2. برخی متهمان به عزل وکیل و قبول وکیل تعیین شده توسط نهادهای امنیتی مجبور شده اند. تقریباً تمام کسانی در دادگاه های علنی صحبت کرده و به اصطلاح اعتراف نموده اند با چنین مشکلی روبرو بوده اند.

3. مضحکترین موضوع این است که در موارد زیادی وقتی وکیل متهم برای ثبت وکالت در پرونده به قاضی مراجعه نموده است قاضی گفته است که وزارت یا حفاظت سپاه، که متهم در اختیار آن است، با وکالت شما موافق نیست و وکالت وی را نپذیرفته است.

3. بازجویی ها؛

بازجویی ها توسط ارگانها و نهادهای مختلفی از جمله وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج و واحدهای مختلف نیروی انتظامی صورت گرفته است. در واقع نیروی انتظامی و بسیج پس از بازجویی های اولیه افراد را تحویل سپاه پاسداران و یا وزارت اطلاعات می داده اند تا بازجویی ها که اغلب در مدت زمانی بسیار طولانی و بی وقفه، و در ساعات غیر متعارف صورت می گرفته ادامه پیدا کند.

بازجویی ها در نیروی انتظامی و بسیج نیازی به توضیح ندارد که تماماً همراه با توهین و تحقیر و ضرب و شتم و وحشتناک، بدون هدف مشخص بوده است و اکنون دهها نفر از کسانی که توسط این دو نهاد بازداشت شده اند در بند 350 به سر می برند. در این روند بازجویی، افرادی چند روز متوالی را در اتاقهایی که به دلیل ازدحام به زحمت می توانستند حتی در آن بنشینند بدون آب و غذای کافی به سر برده اند. با این حال از زمانی که برخی از آن افراد تحویل نهادهای امنیتی در سه بند 209، 240، و 2 الف شده اند فضای دیگری را شاهد بوده اند. روایت یکی از زندانیان که در حال حاضر در بند 350 به سر می برد را عیناً در ذیل به استحضار می رسانیم

متنی را جلوی من گذاشتند و گفتند بعد از اینکه متن را خواندی با زبان خودت بنویس. من خواندم اما چون سراسرش کذب بود حاضر به نوشتن نشدم. به من گفت تو آدم نمی شی و رفت بیرون و سه نفر وارد شدند و چند دقیقه به طور متناوب با باطوم و شوکر برقی من را مورد ضرب و شتم قرار دادند و وقتی بیرون رفتند بازجو دوباره داخل شد و با تمسخر گفت: چی شده؟ چرا گریه می کنی؟ کسی اذیتت کرد؟ و این کار 4 بار تکرار شد تا من مجبور شدم و آن مطالب کذب «را نوشتم و چند روز بعد در دادگاه آن متن را قرائت کردم»

تقریباً تمام کسانی که در بند 2 الف زندان اوین که زیر نظر سازمان اطلاعات سپاه فعالیت میکند مورد بازجویی و تحقیقات قرار گرفته اند، به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. برخی نیز که در این بند بوده اند به ساختمانهای در شمال تهران معروف به شرکت منتقل شده و ضمن بازجویی ها، با کابل و باطوم و شوکر برقی مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. حداقل دو نفر از زندانیان اعلام می کنند که به زور بازجویان، روزانه نزدیک به 10 عدد قرص مصرف می کرده اند و این هر دو نفر در دادگاه های علنی حاضر بوده اند و بعد از اینکه به بند 350 منتقل شدند مشکلات روحی و روانی شان به وضوح قابل مشاهده بوده و هست.

در موردی دیگر یکی از زندانیان روایت می کند وقتی در برابر نوشتن منویات بازجویان در بند 2 الف مقاومت کردم مرا عریان کرده و صرفاً با یک لباس زیر در یک محل سر باز به میله ها بسته و با تهدیدات جنسی از قبیل آزار جنسی با باطوم و اعمالی از این دست مجبور به اعتراف به اعمال ناکرده کردم.

همچنین حداقل 5 نفر از کسانی که در بند 2 الف مورد بازجویی قرار گرفته اند به زیر زمینی برده شده اند که در آن وسایل شکنجه از جمله وسایل ناخن کشی بوده است و با تهدید به استفاده از آن وسایل، بازجویی شده اند. در یک مورد نیز دستهای متهم را در درون این دستگاه قرار داده و او را وادار به اعترافات مورد نیاز کرده اند.

ضرب و شتم در بند 240 زندان اوین نیز به طور معمول در مورد بسیاری از زندانیان مرسوم بوده است البته ضرب و شتم ها در حد بند 2 الف نبوده است. در این میان وضعیت بند 209 که تحت نظارت وزارت اطلاعات است کمی متفاوت است. در این بند تقریباً از شکنجه های جسمی صحبتی در میان نیست. اما این نهاد وابسته به دولت احمدی نژاد با تسلطی که بر اطلاعات شخصی افراد داشته است بیشترین فشارها را بر خانواده، نزدیکان و روابط بین آنها داشته است و از طریق دخالت در حریم خصوصی، تهدید به افشای راست و در بسیاری از موارد دروغ این روابط، و دهها روش غیر اخلاقی دیگر، زندانیان را تحت فشار گذاشته اند تا به پروژه های از پیش طراحی شده خود جامه عمل بپوشند. در این خصوص لازم به ذکر است از بین زندانیان بند 350 حداقل 20 نفر در زمان بازداشتشان، با بازداشت همسر و فرزندان خود روبرو بوده اند. حداقل 5 نفر از کسانی که در دادگاه های علنی حضور یافته اند و اعترافاتی را قرائت کرده اند همزمان همسر یا فرزندانشان نیز در زندان به سر می برده اند و از این طریق از سوی نهادهای امنیتی تهدید شده بودند که اگر متنها و نوشته های از قبل تمرین شده را در دادگاه اجرا نکنند برای همسر و فرزندانیشان مشکل ایجاد خواهد شد.

4. دادگاه های به اصطلاح علنی؛

عین گفته های یکی از زندانیان را که در دادگاه های علنی حضور یافته و اعترافاتی علیه خود و دیگران داشته است را عیناً می آوریم

یک روز با چشمان بسته ما را به محلی بیرون از زندان اوین بردند. جمعی حدود 50 نفر بودیم. وقتی چشمان را باز کردیم در سالن بزرگ دادگاه که قبلاً از تلوزیون پخش شده بود بودیم. قاضی صلواتی و دادستان جعفری و چند نفر با لباس شخصی حضور داشتند. شخصی به نام فراهانی صحبت کرد. سپس من و نه نفر دیگر را از سالن بیرون بردند. یک به یک داخل یک اتاق رفتیم. نوشته هایی را به همراه سوالات که می گفتند توسط قاضی پرسیده خواهد شد به ما دادند. آنها حتی در مورد چگونگی حرکت دستهایمان نیز به ما آموزش و تمرین می دادند. وقتی دوباره وارد دادگاه شدیم یک به یک آن حرفها را زدیم و کسی که جای قاضی نشسته بود سوالات را پرسید و ما جوابهای از پیش تعیین شده را دادیم. در تمام این مدت قاضی صلواتی و دادستان در آنجا حضور داشتند و نظاره گر ما بودند. در پایان هم همان آقای فراهانی محل قرار گرفتن دوربینها، استقرار خبرنگاران و موارد دیگر را توضیح داد. فردای آن روز بازجوها متنها را دوباره آوردند و گفتند آن مطالب را با زبان خودمان و به طور طبیعی بیان کنیم. به من گفت اگر این حرفها را بزنم و طبیعی جلوه کند چند روز بعد آزاد می شوم ولی اگر نگویم چون هیچ کس من را نمی شناسد بدون سر و صدا اعدام می کند. او همچنین تهدید می کرد اگر در دادگاه آن حرفها را درست نزنم خواهر و پدرم را بازداشت می کند. هر چند گاهی هم «می گفت خواهرم در بازداشت است و او را نیز اعدام خواهد کرد»

تقریباً تمام کسانی که در دادگاه های علنی حضور داشته اند و در حال حاضر در بند 350 به سر می برند در چنین جلسات تمرینی، در سالن دادگاه و یا در اتاقهای بازجویی، حضور داشته اند

همچنین تقریباً تمام کسانی که در دادگاه های علنی حضور داشته اند از داشتن وکیل اختیاری محروم بوده و حتی برخی که از قبل وکیل داشته اند نیز تحت فشار بازجوها مجبور به عزل وکیل و انتخاب وکلای تسخیری همکار نهادهای امنیتی شده اند. در چندین مورد نیز از کسانی که در دادگاه های علنی حضور یافته اند به خصوص آنان که در جلسات اول تا سوم حضور داشته اند خواسته اند تا سر و صورت خود را به صورتی خاص که مد نظر آنان بوده است اصلاح کنند تا از نظر ظاهر، شبیه اعضای فرقه ای خاص شوند. بطور مثال یکی از متهمان را که با فشار بسیار بر خانواده اش از وی خواسته بودند تا در دادگاه مطالبی را که از قبل نوشته شده بود بخواند و به ارتباط با مفاقرین اعتراف کند را مجبور کرده بودند تا صورت خود را به شیوه ای خاص اصلاح و سبیل بگذارد

از جمله مضحکترین و شرم آورترین بخش این دادگاه های علنی، استفاده از سه نفر از کسانی است که اساساً چندین ماه قبل از انتخابات بازداشت شده بودند ولی در اخبار به گونه ای القا شد که گویی این افراد در جریان انتخابات بازداشت شده اند و متأسفانه دو تن از همین افراد را پس از حوادث عاشورا و بر اساس همان اعترافات ساختگی و از قبل نوشته و تمرین شده به دار آویختند. این در حالی است که وزارت اطلاعات به آنها گفته بود در صورتی که در دادگاه علنی آن حرفها را بزنند به آنها کمک می شود تا از زندان آزاد شوند. این را نیز در نظر بگیرید که یکی از اعدامیان فقط 19 سال سن داشت

در این دادگاه ها حتی تماشاگران نیز از قبل برای حضور در دادگاه تمرین کرده بودند و افرادی از نهادهای وابسته به نهادهای امنیتی و نظامی از جمله بسیج و برخی نیروهای دادگاه انقلاب و دادستانی با تمرین قبلی که با حضور متهمیان نیز بوده است در دادگاه حضور پیدا کرده بودند. و این در حالی است که هیچ یک از اعضا خانواده و یا نزدیکان و مهمتر از آن وکلایی که توسط متهمان انتخاب شده بود حتی اجازه حضور در اطراف دادگاه نیافتند

در بسیاری از این دادگاه ها در حالی که فقط چند متهم حضور داشتند اما ده ها نفر دیگر را به اجبار و بدون اطلاع قبلی با لباس زندان بر روی صندلی ها آوردند که صرفاً با پر کردن صندلی ها و نمایش تلوزیونی این دادگاه را تکمیل کنند. و البته با توجه به اینکه خود آقای لاریجانی بر تخلف بودن چند دادگاه اول که تصاویر متهمین منتشر شد صحنه گذاشته اند. از توضیح بیشتر درباره آن صرف نظر می کنیم

اطاله دادرسی 5.

در بند 350 حداقل سه نفر هستند که بیش از دو سال است در بازداشت موقت به سر می برند و هنوز هیچ حکمی برایشان صادر نشده است. در بند 209 که در اختیار وزارت اطلاعات است افرادی حضور دارند که بیش از 2 و حتی تا 7 سال است که در زندان انفرادی یا حداکثر اتاقهای دو نفره به سر می برند. در خصوص دیگرانی که وضعیتشان مشخص نیست نیز چند ماه بلا تکلیفی دیگر به یک روال طبیعی تبدیل شده است. به عنوان مثال در بند 350 دهها نفر هستند که بیش از 4 یا 5 ماه است که در بلا تکلیفی به سر می برند. اما شرم آور آن است که برخی از وکلای متهمان - در حالی که چند ماه است دفاع آخر صورت گرفته - وقتی از قضاوت پرونده علت عدم صدور حکم را پرسیده اند شنیده اند که نهادهای امنیتی هنوز نظرشان را درباره حکم پرونده اعلام نکرده اند و با این استدلال چندین ماه دیگر پرونده متوقف و متهم در زندان به سر می برد

یکی از شما بزرگواران در دیدار با رئیس قوه قضائیه فرموده بودید «هرجا اسلام هست ما هستیم و هر جا معارض با «اسلام باشد ما با آن معارضه می کنیم»

گرامیان عالیقدر

آیا زیر پا نهادن علنی قوانین آیین دادرسی مجوز اسلامی دارد؟

آیا ضرب و شتم متهم بر اساس موازین اسلامی است؟

آیا فحاشی، اعمال شنیع و تهدیدات جنسی موافق احکام الهی است؟

آیا بازداشت و تهدید خانواده، همسر، فرزند، پدر، مادر، خواهر و برادر برای اعمال فشار به متهم در تعارض با آموزه های دینی نیست؟

آیا تماسهای تلفنی غیر متعارف و بیش از اندازه بازجویان با همسران و مادران متهمین و بعضاً ارائه پیشنهادها بی شرمانه طلاق و جدایی با مجوزهای اسلامی صورت گرفته است؟

آیا فحاشی بازجویان و حتی بازپرسان و قضات و عدم اجازه استفاده از وکیل بوسیله تهدید و تطمیع با مجوز و فتوای علمای اسلام بوده است؟

یا برگزاری دادگاه های نمایشی، تبلیغات دروغ، پخش اعترافات از سر اجبار متهمان قبل از اثبات جرم، آنهم با تصویر و صدا با مجوز شرعی صورت گرفته است؟

آیا بازداشت موقت های طولانی و بعضاً تا دو سال، زندان های انفرادی چند ماهه و حتی در موارد زیادی یک ساله و دو ساله بر اساس موازین اسلامی است؟

آیا صدور احکام و تصمیم گیری در خصوص میزان آن و حتی در برخی موارد نوشتن متن حکم در محلی خارج از قوه قضائیه و توسط شخصی غیر از قاضی صالح در تعارض با دین اسلام نیست؟

مراجع معظم تقلید و آیات عظام

اتقوا الله و اعدلوا فانکم تعیبون علی قوما لایعدلون (از خداوند پروا کنید و عدالت بورزید و بر کسانی که داد نمی ورزند «عیب بگیرد» روایت کلینی از امام صادق، کافی، جلد دوم)

انتظار نداریم که سخنان و نوشته های ما را بپذیرید. انتظار نداریم که گزارشات یک متهم را از درون زندان قبول کنید آنهم متهمانی که تبلیغات رسمی، امثال آنها را افرادی بی دین، ضد انقلاب، لیبرال، وابسته به غرب، و یا حتی سلطنت طلب و منافق می خواند اعتماد کنید اما با توجه به سابقه درخشان مراجع شیعه در قرون گذشته که همیشه مستقل از حکومتها در برابر ظلم و ستم ایستاده اند از شما می خواهیم در این موارد تحقیق و تفحص کنید تا به صحت گفته های ما پی برید. همچنین با آنکه می دانیم نهادهای امنیتی و دنباله رو آنها قوه قضائیه و سازمان زندانها به شما اجازه دیدار ما را نخواهند داد با این حال از شما بزرگواران می خواهیم با توجه به مسئولیت سنگینتان در برابر اسلام و ملت مسلمان ایران، با اعزام نمایندگان به بند 350 و صحبت خصوصی با زندانیان علی الخصوص کسانی که در دادگاه های علنی حضور یافته اند صحت و سقم این مطالب را مورد بررسی قرار دهید و یا حداقل، علی رغم فشارهای امنیتی، اگر این امکان را یافتید که درب بیوت محترم خود را به روی این متهمان و خانواده هایشان باز بگذارید تا با بیان دردهایشان ضمن تسلی یافتن، شما را نیز از بی عدالتی حاکم در فضای زندانها و بازداشتگاه ها مطلع سازند.

در تاریخ تشیع همواره امید آنان که مورد ستم واقع شده اند به روحانیت بوده است تا با حضور موثر خود و مقابله با ظلم، حقانیت و ظلم ستیزی اسلام را برای جهانیان به نمایش بگذارد. اگر اکنون شما بزرگواران به احقاق حق مظلوم نشتابید بیم داریم که چهره مبارک دین عزیز اسلام برای نسل امروز که جویای حق و حقیقت است و بخصوص نسلهای بعد خدشه دار شود.

ان من اشد الناس عذاباً یوم القیامه من وصف عدلاً و عملاً بغيره. «پر حسرت ترین مردم در روز رستاخیز کسی است که ((عدل را وصف کند سپس به راه دیگری عمل کند (کافی، جلد دوم، به نقل از امام صادق (ع)

(الملك یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم (شرح اصوا الکافی مازندرانی جلد 9

و من الله التوفیق

وارد شده: اول اردیبهشت 1389 – 21 آوریل 2010